



بعد فرهنگی ارتباطات بر توسعه

مریم یوسنی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

صحبت می کنند مشخص می شود ممکن است آنها سعی کنند نسبت به یکدیگر واکنش نشان دهند اما نمی توانند با زبان کلامی تبادل نظر کنند استفاده از دست و پا معمولا به دستیابی به نوعی تفاهم کمک می کند. ادراک نیاز به آن دارد که مردم به یک زبان تکلم کنند به این معنا است که در ارتباطات شرکت کنندگان باید درکی مشترک از نظر پیامهای که رد و بدل می شود داشته باشند می توان به وسیله این درک مشترک با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند در هر حال صحبت به زبانی مشترک دلیل این نیست که سوء تفاهمی به وجود نمی آید بعضی واژه ها یا عبارات ممکن است بیش از یک معنی داشته باشند و تنها زمینه تعیین می کند که کدام معنی مورد نظر است. درک مشترک همچنین مستلزم صراحت زیاد فردی است که ارتباط برقرار می کند معمولا ارتباطات به دلیل اینکه صحبت کننده صریح

ارتباطات

ارتباطات روندی است که به تاثیر منتهی می شود این تاثیر ممکن است به صورتهای مختلفی بوجود آید. در یک جلسه شرکت کنندگان ممکن است با دقت به گوینده ای گوش دهند بدون آنکه پیام او را کاملا دریافت کنند صرف این واقعیت که آنها به دقت توجه می کنند یک تاثیر بسیار کوچک دارد. یا اینکه ممکن است به دقت گوش دهند و آنچه را گفته می شود درک کنند ممکن است موافقتشان را نشان دهند یا ممکن است با حرارت با نظری که مورد بحث قرار دارد مخالفت کنند اگر تاثیری نباشد ارتباطی نیز وجود نداشته است

بی شک بدون وجود درک متقابل ارتباطی وجود نخواهد داشت این موضوع بخصوص درباره ملاقات افرادی که به زبانهای مختلف

سخن نمی‌گوید وجود درک مشترک را بیش از آنچه هست فرض می‌کند موفق نیست مردم معمولاً درباره موضوع شخص یا موقعیتی که ذهنشان را مشغول کرده است صحبت می‌کنند بدون آنکه توجه کنند که شنونده ممکن است در آن لحظه خاص درباره موضوعی کاملاً متفاوت فکر کند. زبان کلامی در ارتباطات نقش عمده‌ای بازی می‌کند اما نباید ارتباطی را که به کلمات اتکا ندارد کم اهمیت دانست در زندگی روزمره ما به نمونه‌هایی از ارتباطات غیر کلامی احاطه شدیم زمانی که در خیابانی قدم می‌زنیم احساس ما تحت تاثیر علائم راهنمایی و رانندگی، ویتروینه‌ها، مغازه‌ها، تابلوها، پرچمها و غیره است اینها همگی رسانه‌های ارتباطی غیر کلامی است.

اشیاء همیشه برقرار کننده ارتباط نیستند بلکه تنها در مواقعی این چنین است که مردم آنها را به عنوان انتقال دهنده نظرها پذیرفته باشند. علائم انتقال دهنده پیام هستند ولی تنها موقعی می‌توانند معنایی را منتقل کنند که فرد بدان علائم چه معنای دارد.

این موضوع درباره زبان کلامی نیز صادق است وقتی ما صحبت می‌کنیم چه اتفاقی می‌افتد از نظر فیزیکی تنها صوت تولید می‌کنیم اما گروهی از مردم با جمعیتی هم‌زبان به توافق رسیده‌اند که اصوات خاصی بیان کننده ایده‌های باشند که ما در ذهن داریم با این توافق یعنی با درکی مشترک از معنی یک صوت می‌توانی تبادل افکار کنیم.

نمادها تنها در زبان محاوره وجود ندارند هر شئی بوی یا هر برداشت حسی می‌تواند در صورتی که گروهی از مردم به توافق برسند که به آن معنایی بدهند نماد شود اما انتقال دهنده و معنی باید رابطه‌ای قرار دادی داشته باشند پرچم ملی و سرود ملی نمادهای یک ملت هستند. محیط اعم از فیزیکی و اجتماعی که ارتباطات در آنها انجام می‌شود تأثیری چشمگیری بر افراد و نحوه تبادل نظرهای ایشان می‌گذرد محیط خود مجموعه‌ای از محمل‌های اطلاعاتی است.

روند ارتباطات بسیار پیچیده است چون در شبکه خیره کننده‌ای از مقاصد تفسیرهای روابط اجتماعی ساختار قدرت استانداردها ارزشها و غیره کار می‌کند. عوامل بسیاری روی مسیر انتقال اطلاعات تأثیر دارند با توجه به پیچیدگی آن بسیار عجیب است که نه تنها ارتباطات برقراری می‌شود بلکه مردم به صورت مستمر تبادل نظر می‌کنند. و برای این کار نیاز به تلاش زیاد ندارند رویداد ارتباطی موقعی موفقیت‌آمیز است که پیام یا ایده به همان نحوی که مورد نظر فرستنده است توسط گیرنده تعبیر شود به بیانی کلی‌تر موقعی که فرستنده به

هدفهای ارتباطی خود دست یابد به هر حال فرستنده باید در این بازی از قانونی با اهمیت آگاه باشد گیرنده است که تعیین می‌کند که اصلا ارتباطی برقرار خواهد شد یا خیر.

هدف

بهترین توصیف هدف از روند ارتباطات عبارت است از تأثیری که مورد نظر است، اهداف ارتباطات می‌توان چندین بعد داشته باشد ممکن است هدف جلب کردن توجه تلاش برای اطلاع دادن شریک شدن در دانش متقاعد کردن یا ترغیب مشارکت گروهی باشد.

همچنین هدف ارتباط ممکن است ارضا کنجکاوی جمع آوری اطلاعات یادگیری سرگرمی یا گذرانیدن وقت باشد تأثیر مورد نظر در صورتی حاصل می‌شود که گیرنده با هدف منبع هماهنگی داشته باشد هدف ارتباطات از نظر منبع باید یک هدف مکمل از سوی گیرنده تطابق داشته باشد اگر هدف از نظر منبع انتقال دانش یا اطلاعات باشد در صورتی این هدف محقق خواهد شد که گیرنده با هدف یادگیری وارد رویداد ارتباطی شود.

در صورتی که انگیزه گیرنده از شرکت در آن سرگرمی یا بازی باشد آن هدف میسر نمی‌شود. در این صورتی ممکن است منبع به جای اینکه درک کند مشکلی آشکار در اهداف وجود دارد رنجیده خاطر شود.

زمینه

ارتباط میان فردی در برگرفته روابط اجتماعی بین مردم است عامل قدرت کنترل و وابستگی در روابط اجتماعی ذاتی است و اغلب روابط دارای جنبه‌های خاصی از عدم تساوی است. که به صورت اختلاف در دانش ثروت موقعیت و غیره مشخص می‌شود. والدین بر فرزندان ثروتمندان بر فقر او معلمان بر دانش آموزان غلبه دارند. قوانین رفتاری نیز این عدم تساوی را تقویت می‌کند.

در ژاپن افراد با موقعیت پایین‌تر مجبورند هنگام تعظیم بیشتر از آنها بیکه در موقعیت بالاتری هستند خم شوند. مردم تایلند که افتخار ملاقات پادشاه را می‌یابند باید نوعی زبان درباری را به کاربرند در بسیاری فرهنگها مرسوم است که فردی با موقعیت بالاتر تعیین کند چه زمانی فردی با موقعیت پایین‌تر می‌توان صحبت کند.

جمع بندی

برقراری ارتباط به نحو موثر مشکل است. متغیرهای بسیاری روی نتیجه فرآیند تأثیر می‌گذارند این متغیرها را می‌توان در ارتباطات میان فردی در مواردی که باز خورد مستقیم اجازه کنترل

روند ارتباطات بسیار پیچیده است چون در شبکه خیره کننده‌ای از مقاصد تفسیرهای روابط اجتماعی ساختار قدرت استانداردها ارزشها و غیره کار می‌کند. عوامل بسیاری روی مسیر انتقال اطلاعات تأثیر دارند با توجه به پیچیدگی آن بسیار عجیب است که نه تنها ارتباطات برقراری می‌شود بلکه مردم به صورت مستمر تبادل نظر می‌کنند

واحدهای استاندارد اندازه گیری و سپس بیان آنها در قالب اعداد و ارقام است که می توان با فرمولهای ریاضی آنها را محاسبه کرد. زمان وزن سرعت مسافت حجم و غیره همگی به واحدهای اندازه گیری می کند با داشتن طول عرض و ارتفاع خانه می توان حجم دقیق آن را محاسبه کرد.

روش سنتی برای کنترل وقایع از طریق جادوست و در کلیه جوامع سنتی مورد عمل قرار می گیرد روش جادو از نظر جستجو برای درک رموز اتفاقات تکراری به روش علمی شبیه است اما بر خلاف علوم مدرن در پیش بینی حوادث شکست می خورد بر اساس نظر فولگ زانگ دنیا از نظر دنیایی است مبتنی بر مفهوم روابط علمی بر پایه اصل شباهت و همزمانی دنیای جادو دنیای است که افکار چیزها و رویدادها زمانی که با هم شبیه باشند دقیقا یکسان هستند.

ساختارهای زبان گفتار

اختلاف بین فرهنگها در نگرش به دنیا و فرآیندهای تفکر در ساختار زبان معانی بیان و گفتار سنتی آنها نمود پیدا می کند فرهنگهای غربی زمان را با ابعاد خطی فضایی می کنند که به این معنی است که ما نسبت به وجود یک گذشته یک حال و یک آینده آگاهی داریم زمان چیزی است که می توانیم با آن بازی کنیم در آن صرفه جویی کنیم آن را تلف کنیم جبران کنیم یا صرف کنیم غربی ها اهمیت زیادی برای زمان به عنوان جنبه ای تاریخی قائلند تا تجربه ای آن و بلاواسطه آنها حال را به صورت نقطه ای میانه و ایستگاهی بین گذشته و آینده می بینند سایر فرهنگهای غربی بیشتر به بی واسطگی زمان یا آنچه زمان احساس شده ناامید می شود توجه دارند.

فرهنگهای غربی بیشتر فرد گرایانه و فرد را ترغیب می کنند تا استعدادهای شخصی اش را پر روش دهد و برای خوشبختی شخصی خود تلاش کند. این تفاوتهای مشخص در ارزشهای مربوط به نقش فرد و روابط اجتماعی تاثیر قابل توجهی بر شیوه ارتباطات و رسوم ارتباطی دارند بر مبنای مجموعه غنی ای از تحقیقات مربوط به تفاوتهای فرهنگی و ارتباطات گودی کونست و تینگ تومی ۱۹۸۸ فرد گرایی را با تحمل بیشتر درباره عدم اطمینان تشریفات کمتر و فاصله قدرت کمتر بین مردم مرتبط می دانند. در فرهنگهای فردگرا

ارتباطات بیشتر صریح و مستقیم است در حالی که در فرهنگهای جمع گرا ارتباطات بیشتر ضمنی و مبهم است در گرایش فردی بر غیر رسمی بودن و روابط غیر متقارن قدرت مورد تاکید قرار می گیرد.

زبانهای با گرایش فردی معمولا ابزاری موثر فرستنده گرا و هدف گراست در حالی که در زبانهای داراب گرایش های جمعی زبان احساسی گیرنده گرا و فرایندگر است.

قدرت ارزشها

فرهنگ تاثیر عمیق بر موضوع و شیوه ارتباط دارد ارزشها که عبارتند از باورهای بزرگ و مهمی که دارای ارزش احساسی و روحی هستند در این باره بسیار کار سازند. ارزشها به عنوان راهنمایی قوی برای جهت دادن به افکار قضاوتها و رفتار اعضای جامعه عمل می کنند.

ارزشها به طور مستقیم به نگرش مردم درباره رابطه شان موضوعهای ماوراء طبیعی و سایر اعضای گروهشان بستگی دارد. ارزشها تعیین می کنند چگونه مردم خصوصیات فطری بشر را ببینند و چگونه هدف وجود بشری را تعیین کنند. فرهنگ غربی تحت تاثیر فلسفه یونانی و دین مسیحی دارای چند ویژگی بارز است بسیار فردگرا است زندگی را هدیه ای از طرف خداوند و بشر را بالاترین موجود زنده می داند طبیعت منبعی است که بشر می تواند به میل خود برای رسیدن به اهداف شخصی اش از آن استفاده کند. در فرهنگهای آسیایی ارزش فرد به امکانات شخصی اش بستگی ندارد بلکه با کارهایی که او برای آسایش و رفاه افراد گروهی که به آن تعلق دارد انجام داده است سنجیده می شود.

گروه در ازای وظیفه شناسی فرد از او حمایت می کند گرایش گروهی الزاما مستلزم نظامی گسترده از نقشها و مقررات رفتاری از پیش تعیین شده است این نظام به طور دقیق آنچه را که از فرد انتظار می رود می آموزد و امکان بروز رفتارهای نامناسب و غیر قابل انتظار را به حداقل می رساند در نتیجه در این فرهنگ معمولاً روابط و ارتباطات بین مردم در مقایسه با فرهنگهای غربی بسیار رسمی است هدف از زندگی که بخصوص در (ذن) بودیسم کاملاً مشخص است با واژه (شلسن) بیان می شود. فرد باید به جای تکیه بر موضوعات دنیوی برای ساختن خود تلاش کند و از نظر روحی خود را ارتقاء دهد.

زبانهای باگرایش فردی معمولاً ابزاری موثر فرستنده گرا و هدف گراست در حالی که در زبانهای داراب گرایش های جمعی زبان احساسی گیرنده گرا و فرایندگر است

وحدت و هماهنگی می‌تواند با روابط بین بشر و محیطش بیان شود بسیاری فرهنگها بشر را به عنوان ارباب دنیا نمی‌بینند بلکه ترجیح می‌دهند نژاد بشری را اولین بین سایر موجودات برابر در جهان هستی ببیند این موضوع بخصوص در جوامعی مشهود است که باید به حداقل وسایل در محیطی خصوصاً آمیز برای بقاء تلاش کنند. این جوامع به سخاوت طبیعت برای دوام و بقاء وابسته اند به کمک جادو سعی می‌کنند با گیاهان و جانوران و شرایط آب و هوا روابط خوبی برقرار کنند و آنها را اعضای خانواده یا همسایگان می‌بینند و نه موجوداتی بی روح و بر این اساس با آنها برخورد می‌کنند.

ارزشها تشکیل دهنده جزئی یکپارچه از هر فرهنگ خاص هستند و با آنها همبستگی دارند فردگرایی و گرایش به دستاوردها و تفوق طبیعت در فرهنگهای غربی توأم و غالب هستند. جمع‌گرایی و گرایش به هماهنگی بیشتر ویژگی فرهنگهای آسیایی است بدان معنی نیست که در غرب هماهنگی و گرایش به جمع وجود ندارد یا اینکه در شرق گرایش به فرد یا گرایش به دستاوردهای وجود ندارد بعضی ارزشها در بعضی فرهنگ غالب است و این ارزشها نقش اصلی را در تفکر و رفتار اعضای آن فرهنگها دارند. باید توجه داشت که نظامهای ارزشی کمتر هماهنگ و ممکن هستند ارزشی قوی در غرب مسیحی مقدس بودن حق حیات است خداوند زندگی می‌بخشد و تنها اوست که عبارتند از حق دفاع از خود در شرایط هجوم یا جنگ ارزشها ساخته دست بشر و بین اعضای گروه مشترک و پذیرفته شده است از آنچه که بسیاری ملتها از گروههای مختلف نژادی فرهنگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی تشکیل شده اند برخورد ارزشها بین گروهها بین افراد و درون افراد امری اجتناب ناپذیر است. در سطح ملی برخورد ارزشها خود را در صحنه سیاسی نشان می‌دهد. دموکراسی در مقابل استبداد سرمایه‌داری در مقابل کمونیزم اصول مذهبی در مقابل مدل‌های اقتصادی حکومت اکثریت در مقابل حساسیت اقلیت و غیره این موضوعات بیان روشن جهت‌گیریهای ارزشی متفاوت است.

برخوردهایی از این نوع بین اعضای گروهها و فرهنگهای مختلف نیز اتفاق می‌افتد آنها ممکن است به دلیل اینکه دارای تمایلات سیاسی متفاوت هستند به مذهب دیگری تعلق دارند درباره رفتار با هموطنانشان موضع دیگری دارند. ارزشها بسیار موثرند و ما آگاهانه

و غیر آگاهانه اجازه می‌دهیم ارزشها تعیین کننده موضوعات با اهمیت و کم ارزش زندگیمان باشند.

ارزشها به دلایل اهمیتی که به آنها داده می‌شود بر تصمیم‌گیری فرد درباره اینکه درباره چه موضوعی با چه کسی و به چه نحوی باید ارتباط برقرار کرد تاثیر زیادی دارد در بسیاری از فرهنگها ادب حکم می‌کند به روشنی آنچه را در فکر دارند بیان نکنند بلکه آن را با ایما و اشاره بگویند در فرهنگهای غربی ابتدا اینطور نیست.

نتیجه

بدیهی است که ارتباطات و فرهنگ محکوم به همزیستی هستند ارتباطات محصول فرهنگ و فرهنگ مشخص کننده رمز ساختار معنا و زمینه ارتباطی است که صورت می‌گیرد از سوی دیگر ارتباطات محمل و مسیر زندگی فرهنگ است هیچ فرهنگی بدون ارتباطات قادر به بقا نیست (بوفر ۱۹۹۰) حتی می‌توان عنوان کرد که بدون ارتباطات فرهنگی وجود نخواهد داشت و بنابراین بعضی دانشمندان تا آنجا پیش می‌روند که فرهنگ را با ارتباطات در یک رده قرار می‌دهند.

هر فرهنگی واقعیت‌های خود را می‌سازد فرهنگ چیزها و پدیده‌ها را در دنیای اطراف تعیین و آنها را طبقه بندی می‌کنند و به آنها معنا می‌دهد این فرهنگ است که تعیین می‌کند اعضای آن فرهنگ رابطه شان را با محیط ماورالطبیعه و سایر اعضای گروهشان ببینند فرهنگی مشخص کننده معیارها و قواعد رفتاری اعضای وابسته به آن است و آنها را در ارتباط اجتماعی راهنمایی می‌کند.

زمانی که مردمی علیه فرهنگشان قیام می‌کنند فعالیت‌هایشان روی جنبه‌های آگاهانه آن مثل بعضی قواعد رفتاری شیوه‌های سنتی هنجارها و غیره متمرکز است آن جنبه‌هایی از فرهنگ را که سطوح ناخودآگاه مغز نقش بسته اند نمی‌توان به سهولت تغییر داد این موارد عبارتند از: باورهای عمیق، ارزشهای اخلاقی و به خصوص راههایی که در آن فرهنگ دنیای اطراف را طبقه بندی و تعریف کرده است این سطوح ناخود آگاه تاثیر زیادی بر نحوه تفسیر از محیط اجتماعی و فیزیکی شان و نیز در شکل دادن به واقعیتها دارد.